

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۱۱.۱۱.۲۰۰۸

نگرانی جامعه سیاه پوست امریکا از آینده اوباما

بعد از پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری، و آن گاهی که قرار بود او غرض ابراز امتنان و ایراد اولین سخنرانی خویش در برابر کم و بیش دو صد هزار نفر در گرانت پارک شهر شیکاگو ظاهر شود، او زن و دو فرزندش را بعد از یک لحظه بسیار، بسیار کوتاه دو باره به پشت سنیژ فرستاد. چرا؟ آیا او از یک سوء قصد دیگری ترس داشت؟

خانم والینتینا پاسکواله خبرنگار واشنگتن پریمز دریک مصاحبه که با آقای وایت یک نفر سیاه پوست از اهالی "التگلاردن" منطقه در جنوب شهر شیکاگو، جایی که اوباما بعد از آمدن از نیویارک به شهر شیکاگو در آنجا کارش را به عنوان هم‌آهنگ کننده امور اجتماعی سیاهان این منطقه آغاز نموده بود، به عمل آورد، مینویسد که "... که تنها نگرانی وایت (شخصی که خانم پاسکواله با وی مصاحبه نموده است) از تکرار دو باره تاریخ است، و این که رئیس جمهور منتخب امریکا " ترور " شود."

تا جائیکه شنیده می شود، اینگونه نگرانی، به ویژه بعد از تلاش چند هفته قبل سه نفر برای ترور اوباما، و حوادث تاریخی آن کشور، سبب ناراحتی خیلی از سیاهان امریکا شده است.

از ۱۸۶۵ تا ۱۹۶۳، در طول نود و هشت سال چهار رئیس جمهور در این کشور ترور شده است.

ابراهام لینکن، به تاریخ ۱۴ اپریل ۱۸۶۵ توسط یک سفید پوست متعصب مخالف آزادی سیاهان و الغای برده داری مورد سوء قصد قرار گرفت که یک روز بعد از آن، یعنی بتاریخ ۱۵ اپریل ۱۸۶۵ به سبب جراحت وارده این سوء قصد، چشم از جهان بست. در زمان همین رئیس جمهور بود که اعلامیه آزادی بردگان در امریکا به تصویب رسید؛ امری که خیلی از زمینداران جنوب آن کشور را که از نیروی رایگان بردگان سیاه پوست در امور کشاورزی استفاده بدون قید و بست مینمودند و با تمام وجود با این اعلامیه مخالف بودند، ناراحت ساخته و موجب جنگ داخلی آن کشور شد.

شاید ابراهام لینکن واقعاً مخالف برده داری بوده باشد و به همین علت هم جنگ شمال و جنوب یا جنگ داخلی امریکا که از ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ ادامه یافت و باعث کشته شدن ده ها هزار نفر شد، به وقوع پیوسته باشد؛ ولی در کنار این هدف انسانی ابراهام لینکن یک چیزی را که نمی توان نادیده گرفت و آن اینست که امریکائی که به شدت در حال صنعتی شدن بود به نیروی کار در عرصه صنعت و پشت ماشین و برای تولیدات ماشینی در فابریکه ها سخت نیاز داشت و این نیروی کار باید از جایی مهیا میگردد.

علت ترور جیمز کارفیلد را نیز، که یک سال را به عنوان رئیس جمهور امریکا تمام نکرد، می توان در جنگ داخلی ۱۸۶۱ - ۱۸۶۵ امریکا و مسئله آزادی سیاه پستان برده جستجو نمود. نامبرده در جریان جنگ داخلی به صفت جنرال در ارتش شمال علیه نیروهای جنوب جنگیده بود.

سومین رئیس جمهور امریکا، که در اثر سوء قصد یک انارشیست امریکائی، جانش را از دست داد، ویلیام مک کینلی بود.

جان. اف. کنیدی، رئیس جمهور دموکرات امریکائی که به روز ۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۳ به قتل رسید، و یکی از علت های قتل وی نیز موضعگیری های مثبت وی در جهت تأمین آزادیهای بیشتر برای جامعه سیاه پوستان امریکا بود، خدمات شایان قدر و جدیی در جهت تأمین حقوق برابر سیاه پوستان با سفید پوستان امریکائی انجام داد. قانون ممنوعیت جدا سازی نژادی در مدارس عمومی و سینما ها و رستوران ها و سایر اماکن عمومی اگر چه شش یا هفت سال قبل از آنکه وی به ریاست جمهوری برسد، تصویب شده بود، ولی تا شروع ریاست جمهوری این رئیس جمهور به آن اعتنا نمیشد. کنیدی در چندین قضیه که از این قانون، به ویژه در مدارس و دانشگاه ها، سرپیچی شده بود، با فرستادن نیروی های انتظامی به دانشگاه ها و مدارس، جلو تخطی خاطیان را گرفت و زمینه تحصیل سیاهان را یکجا با سفید پوستان فراهم نمود. کنیدی از حقوق مدنی سیاهان و از پروسه انتگریشن سیاهان در زندگی و در نظام اجتماعی امریکا حمایت نموده در چندین سخنرانی خویش پیشنهادی اش از سیاهان و تأمین حقوق و آزادی و برابری آن ها را اعلام نمود.

از ۱۳ سوءقصدی که به جان رؤسای جمهور امریکا تا کنون شده است - اگر سوءقصد اخیر به جان خود اوپاما را نیز با آن ها یک جا کنیم، ۱۴ سوءقصد میشود - انگیزه غالب این سوءقصد ها، به شکلی از اشکال، مسئله سیاه پوستان بوده و به شکلی با آن ها ارتباط داشته است.

بر طبق آمار ارائه شده ۵۷ در صد سفید پوستان امریکا به اوپاما رأی ندادند. بعید نیست که در میان همین سفید پوستان " اوسوالد " یا " جان ویلکس بوث "، یا " زوگلش " و ... دیگری پیدا شوند.

امیدوارم چنین چیزی پیش نیاید، ولی نگرانی سیاه پوستان را هم نمیشود با حوادثی که در طول تاریخ از ابراهام لینکن تا رونالد ریگن و تا اوپاما رخ داده است، بدون پایه و موجب خواند. در جهان ما به همان اندازه که انسانان خوب وجود دارند، انسانان دیوانه و صاحب غرض، یا انسانانی که به سهولت وسیله دیگران قرار میگیرند، نیز پیدا میشوند.